

«اخلاق زناشویی» در شاهنامه فردوسی و

بررسی ریشه‌های آن در متون کهن

محمد نوید بازرگان^۱

مریم خادم ازغدی^۲



تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۲۲

چکیده

در این مقاله که به موضوع «اخلاق زناشویی در شاهنامه‌ی فردوسی و متون پیش از آن» پرداخته شده، کوشش گردیده است با آوردن شواهدی از اوستا، متون میانه و نیز شاهنامه و نقل قول برخی صاحب‌نظران در این باره، میزان تأکید این متون بر مقولات اخلاقی نظیر سازگاری، راستمنشی، مهروزی، نیک رفتاری، وفاداری، تعهد، رعایت احترم متقابل، پاکدامنی، پرهیزگاری، بی‌ریابی و... در زندگی زناشویی، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

کلید واژه: شاهنامه. پیمان زناشویی. اخلاق زناشویی. اخلاق زن. اخلاق مرد. اخلاق زناشویی در ایران باستان.

۱- استادیار و عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی -دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

۲- دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه زبان و ادبیات فارسی، رودهن، ایران، m.khadem470@yahoo.com

مقدمه

هنگام مطالعه‌ی متون پهلوی، با سفارش‌های فراوان و انواع و اقسام تحریض‌ها و تشویق‌ها نسبت به زن و شوهر روبرو می‌شویم که در همه‌ی آنها، رعایت اخلاق و رفتار شایسته در زندگی زناشویی مورد توجه قرار گرفته است.

اهمیت این مبحث، چنان است که در همان قدم نخست آغاز زندگی مشترک، یعنی بستن پیمان زناشویی، به این مهم پرداخته شده و به طور صریح و آشکار تأکید شده است که زوجین باید احترام و شأن را نسبت به یکدیگر حفظ کرده و در تمام امور زندگانی مشترک، رفتاری چنان شایسته داشته باشند که طرف مقابل، رنجیده و آزده خاطر نگردد؛ زیرا در غیر این صورت به تدریج، ناچار به عمل - به مثل می‌گردد و بدین گونه پایه‌های زندگانی مشترک آنها سست شده و از هم پاشیده می‌شود و از سویی دیگر، این سوء رفتار از نظر دینی نیز گناهی نابخشودنی است.

رعایت اخلاق زن و مرد، مهم‌ترین اصل پیمان زناشویی:

در «پیمان کدخایی» - که در شمار اسناد ازدواج و متنی بازمانده از دوران کهن ایران، به ویژه فرهنگ مزدایی است - در این باره، آمده:

«(۵) و بهمان (دختر) هم او را پذیرفت، این گونه که بهمان این را نیز بپذیرد که در ازای زندگی از (موازین) همسری و یگانگی (در زناشویی) و فرمان برداری و رعایت احترام نسبت به بهمان، (و نیز) از فروتنی و بهدینی (= اعتقاد به دین مزدیسانا) نگردم (= روی بر نتابم).

(۶) و نیز بهمان این را گفت که: در ازای زندگی، (بهمان دختر را) به زنی (= در زناشویی) گرامی، به - کدبانویی، استوار، و به خورش، جامه و خواب و پوشاسک و شوی وری سالاری (= مراتب همسری زن در برابر شوی) دارای اختیار و در (گذشت)

زمانه به تناسب (او را) خوب (و) به آزرم دارم...» (جاماسب آسانا، ۱۳۷۱، ۱۷۳ و ۱۷۴)

بدین ترتیب، نو عروس، در هنگام بستن پیمان زناشویی، عهد می‌کند که:

«بی گمان من او را که برای همکاران و خویشاوندان، به پدری و سروری گمارده شده است، بر خواهم گردید و بدو مهر خواهم ورزید. [باشد که] در زندگانی، فروغ «منش نیک»، بر من بتابد و اشون^۱ زنی باشم در میان اشونان و «مزدا اهوره»، همواره [آموزش‌های] دین نیک را به من ارزانی دارد.» (اوستا، ۸۶، ۴، ۱۳۸۷)

همچنین در کتاب «صد در بندهش»، درباره‌ی لزوم تعهد مرد نسبت به پیمان زناشویی، این گونه آمده:

«(۱۶) و چون کسی زنی بخواهد و دست پیمان کند، بعد از آن نشاید که آن پیمان بشکند. (۱۷) هر وقت که آن زن را بدان معنی، غمی به دل رسد، او را گناه باشد، بادفراه به روان رسد و مهر درج خوانند.» (دابار، ۱۹۰۹، ۱۰۲، باب ۳۴)

در قباله‌ی نکاحی هم که از دوره یزدگرد سوم به یادگار باقی مانده، شوهر، عهد می‌بندد که در حق زنش تا روزی که هر دو زنده‌اند، به احترام و تکریم تمام، [گرامیک gramik] رفتار کند. مرد می‌بایست نگهدار و پشتیبان و غمخوار زنش باشد، می‌بایست به زنش، پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک بیاموزد و درس اخلاق و مذهب راستین به او بدهد؛ زیرا مرد، در پیشگاه خدا، مسؤول زن است. (مظاہری، ۱۱۴، ۱۳۷۳)

کریستان سن نیز این مسؤولیت را مورد تأیید قرار می‌دهد:

«پس از عقد ازدواج، اجر اعمال خیر زن، متوجه شوهرش می‌شود.» (کریستان سن، ۱۳۸۴، ۳۲۶)

از دیگر متون ارزشمند گذشته که به مقوله‌ی اخلاق زناشویی، توجه ویژه دارد، «ارداویراف نامه» است. به طوری که ۱۶ فرگرد از ۱۰۱ فرگرد آن، درباره خانواده،

رفتار زن و شوهر با یکدیگر، برخورد آنها با فرزندان^۱ و خشنودی پدر و مادر^۲ است؛ و یادآور کیفر سنگین برای کسانی که از این حد و حدود، تخطی نمایند. بدین ترتیب، این کتاب، سازگاری و احترام نسبت به همسر، پاکدامنی و عفت – که آرامش و بقای خانواده را تضمین می‌کند، حرمت و حراست افراد خانواده، تمکین و اطاعت از شوهر و سرپرستی (سرداری) وی^۳ را گوشزد کرده است.

در کتاب «آیینه آیین مزدیسنی» نیز در این باره آمده است:

«در آیین مزدیسنی، شوهر باید فزون مهربانی به زن نماید و هستی خود را از زن جدا نداند و در همه کار، با او یکدل و یگانه باشد و او را از همه گونه رنج و آسیب و سرما و گرما نگاه دارد و در خوراک و پوشاش او به اندازه‌ی توانایی، چیزی دریغ ندارد، و زن هم باید از دل و جان، با شوهر، مهربان باشد و در پرستاری او و فرزندان و نگاهداری خانه و سامان و پاکی و راستی و مهربانی، کوتاهی نورزد.»
(شاهرخ، ۸۷، ۱۳۳۷)

همان گونه که ملاحظه می‌شود رعایت احترام متقابل میان زن و مرد، از جمله اخلاق ایرانیان باستان است.

بویس می‌گوید در اوستا از مهر و محبت میان زن و شوهر نیز با صراحة گفتگو شده است. (بویس، ۷۷، ۱۳۷۶) به طور مثال:

در گاهان، اشو زرتشت خطاب به نو عروسان و تازه دامادان اندرز می‌دهد که:
«سخنانی می‌گوییم دوشیزگان شوی گزین و شما {دو تن} را {نیز} اندرز می‌دهم.^۴
{پندم را} با اندیشه { بشنوید } و به درستی به یاد بسپارید و با دین خویش در یابید و به کار بندید. بر هر یک از شماست که در پرتو منش نیک، در {راه} آشمه، از دیگری پیشی گیرد. بی گمان، این برای وی پاداشی نیک است.» (اوستا، همانجا، ۵)

۱ - فرگرد ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۵۹، ۷۸، ۹۴

۲ - فرگرد ۶۵

۳ - فرگرد ۲۶، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۷۰، ۸۳

۴ - خطاب زرتشت در این بند، بایست به همه دوشیزگان و جوانان و به ویژه، به پوروچیستا و جاماسب باشد. (همانجا، پاورقی)

این نکته نیز در خور یادآوری است که زندگی زن و مرد زرتشتی، به خصوص، پس از زناشویی، در چارچوب سخت پرهیزگاری قرار می‌گیرد. به گونه‌ای که آنها باید از آن حدود، پا فراتر نهند؛ زیرا همان گونه که کاتراک اشاره می‌کند:

دین زرتشت، بی‌عفّتی و زنا را از جانب مرد باشد یا زن، ناروا دانسته و از جمله گناهان بزرگ شمرده است. (کاتراک، ۱۳۴۲، ۲۶) به همین دلیل، اندرز گواه زناشویی، به زبان پازند – که در هنگام برگزاری جشن عروسی توسّط موبد خوانده می‌شود – به داماد چنین اندرز می‌دهد: از زنانِ کسان، پرهیختار باش. بدون تردید، این اندرز، یکی از تعالیم بزرگ آیین زرتشت در زمینه‌ی اخلاق است. (همان، ۲۳ و ۲۴)

وندیداد نیز به تأکید دعای ائیریمه – که در زمان قدیم، در هنگام برگزاری جشن زناشویی، توسّط موبد خوانده می‌شده – بر «پرهیزگاری» اشاره می‌کند: «من، این مرد «پارسا» و این زن «پارسا» را به وسیله این دعای ائیریمه، تقدیس می‌کنم.» (همان، ۲۵ به نقل از وندیداد)

برخی پژوهشگران معتقدند معان زرتشتی، خود، در رعایت این اصول، مقدم و پیشگام بوده‌اند. مظاهری می‌نویسد:

معان، از حیث فضل و وقار اخلاق، نمونه‌ی رعایت تقوا در زندگی زناشویی هستند. (مظاهری، همان، ۳۹)

اوستا دو نکته‌ی کلیدی را از نتایج پارسایی در روابط زناشویی بر می‌شمارد:

۱- پاکی نژاد:

شوهر و زن، هر دو، باید پارسا، نیکوکار و یکتاپرست باشند؛ زیرا تنها با دارا بودن این صفات می‌توانند «پاکی نژادی» را حفظ کنند. (کاتراک، همانجا، به نقل از وندیداد)

۲- باروری: (همان، ۱۱۵ به نقل از یشت ۸-۱۵)

به فرموده‌ی اوستا، فرشتگان، بلای «نازایی» را بر سر زن و شوهر بی‌دین، ناسازگار و گرفتار نفاق فرو می‌ریزند. (همانجا، به نقل از یشت ۳-۱۱)

همان گونه که ملاحظه می‌شود تأکید کلی متون گذشته در مبحث اخلاق زناشویی بر این است که زن و شوهر می‌بایست یکدل و یکروی باشند و با وصلت و وحدتی به طور یقین قرین اخلاق، زندگی کنند.

اصول اخلاقی «زن» در شاهنامه فردوسی و ایران باستان:

شاهنامه به عنوان اثری عمیق که آیینه‌ای از اندیشه‌های کهن و فرهنگ ملی ایرانیان است، آموزه‌هایی زیبا از وفاداری و پایداری زن را به نمایش می‌گذارد: واکنش منیژه، دختر افراسیاب (دشمن بزرگ ایران و پادشاه توران) - که بیژن، شاهزاده‌ی جوان ایرانی را به شوهری برگزیده است - در مقابل پدر که این پهلوان را برای طولانی کردن دردها و رنج‌هایش، زنده زنده، در زیر سنگ به بند می‌اندازد، آن است که تاج و تخت و جواهرات و اقوام و آبروی خود را در راه عشق به او، نادیده می‌گیرد و حتی محض خاطر وی به گدایی می‌رود. آن گاه که گرسیوز به دستور افراسیاب:

ازین بدره بستد، بدان تاج داد	همه گنج او را به تاراج داد
برهنه دو پای و گشاده سرا	منیژه بیامد به یک چادر
دو دیده پر از خون و رخ جویبار	کشیدش دوان تا بدان چاهسار
زواری بدین بسته تا جاودان	بدو گفت: اینک ترا خان و مان
چویک روزویک شب بروبر گذشت	غیریان همی گشت بر گرد دشت
یکی دست را اندر و کرد راه	بیامد خروشان به نزدیک چاه
منیژه به هر در همی نان چدی	چون از کوه خورشید سر بر زدی
به سوراخ چاه آوریدی فراز	همی گرد کردی به روز دراز
بدین شور بختی همی زیستی	به بیژن سپردی و بگریستی
(فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۳۳۵، ب ۴۰۰-۴۰۸)	

این تصویر، تصویر گرانمایه و بلند پایه‌ی جان بازی و وفا و اخلاقی است که هیچ داستانی و نه حتی هیچ شعری، فراتر از آن نرفته است و به خاطر همین فدایکاری‌هاست که نولدکه از او به عنوان زنی «قابل ستایش» یاد می‌کند. (نولدکه، ۱۰۳، ۱۳۲۷)

- کتایون، دختر امپراتور روم که به گناه ازدواج با گشتاسب پهلوان، از ارث و نام پدر محروم می‌شود، از نظر وی شایسته ستایش است؛ زیرا که شریک رنج‌ها و فقر سرشار از افتخار او می‌شود:

نیابی ز من گنج و تاج و نگین!
جهان آفرین را فراوان بخواند
که‌ای پروریده به نام و به ناز،
چرا کرد رایت مرا خواستار؟
نیابی و با او بمانی به رنج
که باشدت نزد پدر آبروی
مشو تیز با گردش آسمان!
تو افسر چرا جویی و تاج و تخت؟
(همان، ج، ۵، ص ۲۷۶-۲۸۳)

- سودابه، یکی دیگر از زنان شاهنامه است که هنگام به زندان رفتن شوهرش، چنین می‌گوید:

و گر چه بود خاک ما را نهفت
مرا بسی گنه، سر بباید برید
(همان، ج، ۲، ص ۱۷۵ و ۱۷۶)

اگر چه، این سخنان شایسته تحسین، سرانجام سبب شد که وی به زندان افکنده شود، اما او در چنین شرایطی نیز مهرآمیزترین پرستاری‌ها را در حق شوهرش به جای

بدو گفت: با او برو همچنین
چو گشتاسب آن دید، خیره بماند
چنین گفت با دختر سرفراز
ز چندین سر و افسر نامدار
غريبی همی برگزینی که گنج
ازین سرفرازان، همالی بجوى
كتایون بدو گفت کای بدگمان
چو من با تو خرسند باشم به بخت

جدایی نخواهم ز کاووس گفت
چو کاووس را بند باید کشید

آورد و رایزن و ناصح مشفق وی گشت:

پر از کین شدش سر، پر از خون جگر
جگر خسته از غم، به خون شسته روی
پرستنده او بُلد، هم او غم‌گسار
(همانجا، ب ۱۷۷-۱۷۹)

بگفتند گفتار او با پدر
به حصنش فرستاد نزدیک شوی
نشستش به یک خانه با شهریار

Michelet درباره‌ی آن زنان ایرانی که فردوسی به ستایشان برخاسته،

چنین می‌نگارد:

«زنان در شاهنامه‌ی او – که پابند افسانه‌های کهن ایران زمین است – غرور و عظمتی باستانی دارند. اگر گناهی از ایشان سر بزند، زاده‌ی ضعف نیست. سخت نیرومند و دلیرنده، ابتکاری بی‌پروا و وفایی پهلوانانه دارند. دوش به دوش شوهرانشان پیکار می‌کنند و برای مقابله با همه‌ی مشکلات بر می‌خیزند.» (مظاہری، همان، ۱۱۳)
در مقاله‌ی «نشانه‌های زن سروری در چند ازدواج داستانی در شاهنامه» نیز اصلی‌ترین قاعده در ازدواج‌های شاهنامه، «وفای زن به شوهر» مطرح شده است.
(مزداپور، ۹۶، ۱۳۵۴)

این وفاداری در شاهنامه، تا آن جا پیش می‌رود که زنان به هنگام بروز مشکلات میان پدر و شوهر، حتی به قیمتِ بریدن از پدر و خویشان نسبی خود، به شوی خویش می‌پیوندند؛ از جمله این که:

– شاه هاماوران، به آهنگ باز گرداندن سودابه از شبستان کاووس به حرم خویش، کاووس و یاران او را به بند می‌کشد؛ اما سودابه، شوی را به پدر ترجیح می‌دهد و از بازگشتن به خانه پدری خودداری می‌ورزد:

عماری یکی در میانه جلیل
سر اپرده را زیر پای آورند
...برفتند پوشیده رویان دو خیل
که سوداوه را باز جای آورند

به تن، جامه‌ی خسروی بر درید
به فندق دو گل را به خون داد رنگ
سمن کرد پر خون از آن ننگ و نام
(فردوسي، همانجا، صص ۷۷ و ۷۹، ب ۱۶۶-۱۷۴)

چو سوداوه، پوشيدگان را بدید
به مشكين كمند اندر آويخت چنگ
فرستادگان را سگان كرد نام

پس از کشته شدن سیاوش، فرنگیس به آواز بلند، پدر را نفرین می‌کند و چندان
وی را می‌نکوهد که شاه توران به قتل وی فرمان می‌دهد:

خراشیله روی و بمانده نزند
بنفرید با نرگس و گل پر آب
چو آن ناله‌ی زار و نفرین شنید
كه اين را به کوي آوريad از نهفت
بر روزيانان و مردم کشان
بدرند بر تن، همه چادرش
بريزد برین بوم از ايران زمين
نه شاخ و نه برگ و نه تاج و نه تخت
(همانجا، ص ۳۵۹، ب ۲۲۹۹-۲۳۰۶)

سر ماه رويان، گستته کمند
به آواز بر جان افراسياب
خروشش به نزد سپهبد رسيد
به گرسیوز بد نهان، شاه گفت
ز پرده به درگه بريديش کشان
بدان تا بگيرند موی سرش
زنديش همی چوب تا تخم کين
نخواهم ز بيخ سیاوش درخت

اگر چه در شاهنامه بر این مسئله، بسیار تأکید می‌شود، اما در بعضی متون، از جمله «ویس و رامین»، توجه به این موضوع، بسیار کمرنگ است؛ زیرا همان گونه که دکتر مزادپور درباره‌ی این منظومه می‌گوید:

«نه داييه‌ی جادوگر ويس - که در پديد آمدن رابطه‌ی عاشق و معشوق دخالت
دارد - نه ويس و نه شهرو، هيچ کدام، پابند قواعد اخلاقی مأنوس ما و يا حتی رسم
تک شوهری نیستند؛ چرا که اخلاق جنسی موصوف در «ویس و رامین»، به جای
ارزش نهادن بر عفت و وفاداري، «عشق» را عزّت - می‌نهد.» (مزادپور، همان، ۱۱۹)

نمونه‌ی وفاداری نسبت به شوهر در ایران باستان نیز پانته آ، زوجه‌ی ابراداتاس است در زمان کوروش هخامنشی. این زن که از حیث زیبایی، مثل و مانند نداشت، در نبود همسر خود، به طور کامل به وی وفادار ماند و پس از کشته شدن او در جنگ پارسی‌ها با مصری‌ها نیز، بعد از به خاک سپردن وی، خودکشی کرد.

(پیرنیا، ۳۲۷-۱۳۶۶، ۱/۳۶۷، به روایت گزندون)

اصول اخلاقی «زن» در متون کهن:

در متون پهلوی، رعایت اخلاق نیک از نخستین تکالیف زن محسوب می‌شود. به عنوان نمونه، مینوی خرد در مقابل این پرسش که:

(۶) (کدام) زن بدتر است؟

این گونه پاسخ می‌دهد:

«(۱۴) و آن زن بدتر است که با او به شادی نتوان زیست.» (مینوی خرد، ۳۲، ۴۹، ۵۴، ۱۳۵) و نیز می‌گوید:

«(۱) پرسید دانا از مینوی خرد (۵) کدام رامشیار بهتر؟»

«(۱۲) «...رامشیار، زن نیک خوش خوی، بهتر.» (همان، ۱۳، ۲۸) در خرده اوستا هم آمده که:

«کدبانوی آشون^۱، رد (سرکرد) آشونی خانواده را می‌ستاییم.» (اوستا، همان، ۸، ۶۲۳) و نیز می‌فرماید:

«آشون بانوی بسیار نیک اندیش، بسیار نیک گفتار، بسیار نیک رفتار و نیک آموخته و فرمانبردار شوی را می‌ستاییم.» (همان، ۹)

بازتاب این نوع نگرش را در برخی نقل قول‌های بر جا مانده از دوران ساسانی

۱ - ر.ک: پاورقی ص سوم مقاله.

می‌بینیم. به عنوان مثال، در نامه‌های خسرو پرویز می‌خوانیم:
بهترین زن، آن است که پیوسته در اندیشه عشق و محبت به مرد باشد.(کریستان
سن، همان، ۴۹۶)

آذرگشیب در تفسیر «زن پارسا» از نظرگاه خردۀ اوستا می‌گوید:
در این کتاب مقدس، به زن پارسایی درود فرستاده شده که در اندیشه و گفتار و
کردار، راست و پاک بوده؛ از راه علم و دانش، احترامی بدست آورده و نسبت به شوهر،
صمیمی و فداکار باشد.(آذرگشیب، ۱۳۴۵، ۴)

همچنین در یَسَنَه، هات ۵۳، بند سه از قول زرتشت خطاب به دخترش، با این
تأکید رو برو می‌شویم:

«و توای پُوروچیستای هچتسپی سپیتمانی! ای جوانترین دختر زرتشت! مزدا، آن
کس را که به «منش نیک» و «آشه» (براستی و پارسایی)، سخت باور است، به انبازی
[زندگی] به تو می‌بخشد.» (اوستا، همان، ۳، ۸۵)

اصول اخلاقی «مرد» در شاهنامه فردوسی و متون کهن:
به طور مسلم، مرد نیز در مقابل زن، تکالیفی به عهده دارد. می‌بایست زنش را
دوست بدارد، گرامی و ارجمند انگاردن و نیکوترين احساساتي را که می‌توان در حقّ
همسر داشت، نسبت به وی ابراز نماید.

نمونه‌ی این گونه برخورد در حمامه فردوسی، مهراب است که با سی - دخت
(سیندخت)، همسر سرشار از هوش و فراست خود، رفتاری همراه با اکرام و التفات
دارد. (فردوسی، همان، ج ۱، ص ۱۸۶، ب ۳۳۷؛ همانجا، ص ۲۱۵، ب ۷۶۳-۷۶۱؛ همانجا، ص
۲۱۸، ب ۸۰۵؛ همانجا، ص ۲۱۹، ب ۸۱۶ و ۸۲۴-۸۱۹)

در خرده اوستا نیز آمده: «جوان نیک اندیش، نیک گفتار، نیک کردار و آشون پاک،
رد پاکی را می‌ستاییم.» (اوستا، همان، ۸، ۶۲۳)

نتایج بحث

اما نتایج حاصل از مقایسه این موضوع در متون مذکور عبارتند از:

۱- شاهنامه در مبحث اخلاق «زن» در زندگی زناشویی، بیش از هر چیز بر وفاداری و فدایکاری و همراهی زن نسبت به مرد تأکید می‌کند. در ایران باستان نیز گویا وفاداری پانته آهمسر آبراداتاس، در زمان کوروش هخامنشی زبانزد بوده است. «اوستا» بر مهر و محبت زن نسبت به مرد، منش نیک، پرهیزگاری، اشون و فرمانبردار شوی بودن تأکید می‌کند. در میان متون میانه نیز «مینوی خرد»، اخلاق نیک زن را مورد توجه قرار می‌دهد. در «نامه‌های خسرو پرویز» - که از دوران ساسانی باقی مانده - نیز بر این موارد تأکید شده است.

۲- شاهنامه همچنین احترام گزاردن مرد به زن را در زندگی زناشویی ضروری می‌داند. «اوستا» نیز بر نیک اندیشه‌ی، نیک گفتاری و نیک کرداری مرد نسبت به زن تأکید می‌کند. «صد در بندesh»، تعهد مرد بر پاییندی به پیمان زناشویی و «پیمان کدخدایی»، درست اندیشه و راست منشی را مهم می‌انگارند.

۳- در «اوستا» و «اندرز گواه گیران»، همچنین بر پرهیزگاری زن و مرد در زندگی زناشویی تأکید شده و نتیجه آن، پاکی نژاد و توانایی باروری ذکر شده است. «اردا ویراف نامه» نیز به طور کلی، بر احترام، عفت، حرمت، تمکین و اطاعت در زندگی زناشویی تأکید می‌ورزد.

۴- نکته قابل توجه این است که "اخلاق زناشویی" در شاهنامه فردوسی، به طور غیر مستقیم ذکر شده است؛ بدین معنی که به توصیه صریحی در این باره بر نخوردم؛ اما متون کهن، به طور مستقیم، بایدها و نبایدهایی را در این باره مطرح می‌کنند. از این رو به نظر می‌رسد که شاهنامه در این باب، بیش از آن که به اخلاق دینی توجه داشته باشد، اخلاق انسانی را مدد نظر قرار می‌دهد.

بدین ترتیب، رعایتِ همه جانبه‌ی اخلاق و رفتار نیک و شایسته در زندگی زناشویی، هم در شاهنامه و هم در متون پیش از آن، مورد تأکید و توجه قرار گرفته است و اگر چه بیشترین تمرکز در شاهنامه و این متون، بر اخلاق «زن» در زندگی زناشویی است؛ اما در عین حال، زن و مرد، هر دو، ملزم به رعایت اصول اخلاقی مدوّنی در زندگی مشترک هستند.

فهرست منابع

۱. آذر گشتب، اردشیر، ۱۳۴۵، آینه زناشویی زرتشیان، [تهران]، کانون زرتشیان شریف آباد یزد مقیم مرکز.
۲. ارادویراف نامه، یا، بهشت و دوزخ در آینه مزدیسنی، ۱۳۷۲، شامل پیشگفتار، ترجمه‌ی فارسی، متن پهلوی، واژه نامه از رحیم عفیفی، تهران، انتشارات طوس.
۳. اوستا: کهن ترین سرودها و متن‌های ایرانی، ۱۳۸۷، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، تهران، مروارید.
۴. بویس، مری، ۱۳۷۶، تاریخ کیش زرتشت، ج ۱، ترجمه‌ی همایون صنعتی زاده، تهران، نشر توسعه.
۵. پیرنیا (مشیر الدوله سابق)، حسن، ۱۳۶۶، ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم، ج ۳، تهران، دنیای کتاب.
۶. جاماسب آسانا، جاماسب جی دستور منوچهر جی، ۱۳۷۱، متنون پهلوی، ترجمه، آوانوشت و گزارش سعید عربیان، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۷. دابار، بهمن جی نوسروانجی، ۱۹۰۹، صد در نظر صد در بندesh، بمیئی، [بی تا].
۸. شاهرخ، کیخسرو، ۱۳۳۷، آینه آینه مزدیسنا، [بی جا]، [بی تا].
۹. فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۹، شاهنامه، به تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران، انتشارات دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۱۰. کاتراک ام، هیرید جمشید کاووس، ۱۳۴۲، زناشویی در ایران باستان، ترجمه موبد رستم شهزادی، تهران، انتشارات انجمن زرتشیان تهران.
۱۱. کریستان سن، آرتور امانوئل، ۱۳۸۴، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.
۱۲. مزادپور، کتایون، ۱۳۵۴، «نشانه‌های زن سروری در چند ازدواج داستانی در شاهنامه»، مجله فرهنگ و زندگی، شماره‌ی ۱۹ و ۲۰.

۱۳. مظاہری، علی اکبر، ۱۳۷۳، خانواده‌ی ایرانی در دوران پیش از اسلام، ترجمه‌ی عبدالله توکل، تهران، نشر قطره.
۱۴. مینوی خرد، ۱۳۵۴، ترجمه‌ی احمد تفضلی، [بی جا]، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۱۵. نولدکه، شودور، ۱۳۲۷، حماسه ملی ایران، ترجمه‌ی بزرگ علوی، تهران، دانشگاه تهران.

